

پدیدارشناسی مکان در زیست جهان دانشجویی (مورد مطالعه: دانشجویان کارشناسی

دانشگاه تهران)

مژگان خوشنام^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

چکیده

زیست جهان دانشجویان، به عنوان قشری که در آینده گروههای مرجع جامعه خواهند بود، با تمام پیچیدگی‌ها و ابعاد و عناصر و جزئیات می‌بایست مورد پژوهش و توصیف عمیق قرار گیرد. بنابراین مکان تعاملات غیررسمی دانشجویان به عنوان بخشی از این زیست جهان دارای اهمیت است که در این پژوهش به آن توجه شده است. هدف اصلی پژوهش حاضر، توصیف عمیق ادراک ذهنی دانشجویان از مکان‌های تعاملات غیررسمی خود است. برای دستیابی به معنای ذهنی دانشجویان از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شد. برای این منظور با ۲۱ دانشجوی دانشگاه تهران از دانشکده‌های مختلف مصاحبه عمیق پدیدارشناسی انجام شد. در پدیدارشناسی توصیفی، آنچه که به عنوان روش تحلیل توصیه می‌شود، روش استویک-کولایزی-کین است. دانشجویان به معانی ذهنی گوناگونی از جمله احساس امنیت، آزادی و راحتی، پویایی و تعامل راحت میان دختر و پسر و رشته‌های گوناگون، بقای دوستی، اتلاف وقت و بی‌هدفی، افزایش دایره دوستان و همچنین احتراز از سیستم رسمی و نظارت آن بر جمع‌های دوستانه و تعاملات خود در درون دانشگاه اشاره می‌کنند. دانشجویان به دنبال دگر مکان‌ها و مکان‌های سوم بعنوان مکان‌هایی که بیرون از سیستم‌های برنامه درسی رسمی و یا ماشین‌های سیاسی به آن می‌پیوندند، هستند. بدین معنا که از مکان‌های شناخته شده دانشگاه که هنجارها و قواعدی برای آنها تعریف شده است عبور کرده و مکان‌های جدیدی مناسب با زیست خود و نیازها و ترجیحات خود و دوستانشان انتخاب و در آن مکان به تعاملات خود می‌پردازند. به نظر می‌رسد حضور دانشجویان

^۱. استادیار مرکز تحقیقات سیاست علمی کشور

در مکان‌ها و ایجاد پاتوق‌های دوستانه تمام ویژگی‌های مکان سوم را دارد. از جمله اینکه آنها با میل خود به این مکان‌ها رفت و آمد می‌کنند، هیچ یک نقش میزبان را ایفا نکرده و همگی احساس آسایش و راحتی دارند. مکان سوم به توسعه شبکه اجتماعی آنها و ایجاد دوستی‌های جدید در دانشجویان کمک می‌کند. مکالمه و گفتگوی مفرح و سرگرم‌کننده مهم‌ترین وجه تمایز مکان سوم از دیگر مکان‌هاست. پاتوق‌های دانشجویان همانند دیگر مکان‌های سوم، دسترسی‌پذیر هستند و همانطور که ادراکات ذهنی دانشجویان نشان داد در دسترس بودن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نظر دانشجویان برای ایجاد دورهمی‌های دوستانه است. یکی از ویژگی‌های مکان سوم سرزندگی است، دانشجویان در جمع‌های دوستانه خود در درون و یا بیرون از دانشگاه بدنبال گذراندن اوقات خوش و گفت‌وشنود و خنده و سرگرمی هستند.

واژگان کلیدی: تعاملات و ارتباطات دانشجویان، زیست جهان دانشجویی، پدیدارشناسی مکان، دانشگاه تهران

مقدمه

بخشی از زندگی دانشجویی و تجربه زیسته فرد در محیط دانشگاه، معمولاً دور از نظارت نظام رسمی در حال جریان و تجربه می‌باشد. دانشجویان تجربه‌هایی در خارج از کلاس درس، در محافل دانشجویی، در میان دوست و رفقا، گعده‌ها و اکیپ‌های دانشجویی، خوابگاه و ... دارند. این تجربه‌ها عینیت دارند و قابل مشاهده هستند. هر روز بر روی چمن و نیمکت‌های حیاط دانشگاه، بوفه و حتی خارج از محیط فیزیکی دانشگاه، دانشجویان در تعامل و گپ و گفت با یکدیگر دیده می‌شوند. آنچه در واقعیت وجود دارد این امر است که برای دانشجویان، دانشگاه علاوه بر محیط علمی، محیطی است برای کسب تجربه‌های جدید از جمله آشنایی با فرهنگ‌ها، زبان‌ها و اندیشه‌های نوین، افزایش شناخت و ارتباط با جنس مخالف، تقویت توانمندی‌های ارتباطی و مدیریتی خود، و انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی (مرشدی، ۱۳۸۹). این ساحت از زندگی دانشجویی شامل عضویت در اکیپ‌های دانشجویی و برقراری تعاملات با دانشجویان دیگر است، که معمولاً دور از نظارت نظام رسمی در حال جریان و تجربه است. دانشجویان این تعاملات و گعده‌ها و اکیپ‌های دوستانه‌ی خود را در مکان‌هایی شکل می‌دهند. گاه این مکان‌ها درون دانشگاه و گاه بیرون از دانشگاه، گاهی بعنوان مکانی ثابت برای گعده‌های دوستانه و گاه متغیر و متفاوت است.

افراد براساس منافع خود، ارتباطات اجتماعی را شکل داده و براساس توقعات، هنجارها و منش‌های معین خود، به آن می‌پردازند. نحوه حضور فرد در مکان به همراه سایرین، عامل بسیار قوی در تصمیم فرد برای ماندن در آن است. همگن بودن افراد، مشوق افزایش تعامل افراد با هم و سبب ارتقای دلبستگی به آن مکان است، ولی مکان اجتماعی غیرهمگن فرصتی است تا افراد تعاملات اجتماعی آزاد را تجربه کنند (مارکوس^۲ و سارکیسیان^۳، ۱۹۸۶).

یکی از مفاهیم عمده و اصلی در پدیدارشناسی، مفهوم زیست جهان است و یکی از اهداف اصلی این بررسی نیز دستیابی به زیست جهان دانشجویان می‌باشد، همین ضرورت سبب شد تا این مفهوم مورد بررسی و مذاقه قرار گیرد. تعریف زیست جهان عبارتست از محل ارتباط و تعامل غیرمنفرد و متشکل از کنشگران. تعامل در این مکان از طریق کنش ارتباطی و براساس زبان مشترک تحقق می‌یابد. ارتباط میان شخصی درون زیست جهان باز، آزاد و بدون فشار است و شامل قلمرو تجارب روزمره، گفتگوهای جمعی، ارزشهای فرهنگی، سیاسی، هنر، حوزه فراعلمی و ... است. باورها و ارزشهای مشترک تشکیل‌دهنده زیست جهان هستند. زیست جهان منبع تعاملات افراد را تشکیل می‌دهد و کنش ارتباطی از درون همین تعاملات زیست جهان شکل می‌گیرد. زیست جهان حوزه فراعلمی است که وفاق و اجماع در کنشهای ارتباطی مبتنی بر هنجارهای برگرفته شده از آن بدست می‌آید (هابرماس، ۲۰۰۲؛ به نقل از فراستخواه، ۱۳۸۸).

زیست جهان عبارت است از هر فضا و مکانی که در آن ارزشها، هنجارها و ویژگی‌های مشترکی بین دانشجویان وجود داشته باشد و تعامل بین چند دانشجو به وقوع بپیوندد که اهداف خاصی را دنبال کنند، از ویژگی بارز این فضا تعامل و گفتگو بین افراد و ارزشهای متعالی بین آنها است و مجموع این ویژگی‌ها زیست جهان را تشکیل می‌دهد و در این مجموعه است که تعاملات غیررسمی شکل می‌گیرد. این مجموعه در هر جایی می‌تواند ایجاد شود و اگر ویژگی‌های بیان شده در مجموعه‌ای وجود نداشته باشد عنوان زیست جهان بدان تعلق نمی‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۸۹).

^۲. Marcus

^۳. Sarkissian

در تعریف تعاملات غیررسمی، کرات^۴ و همکاران (۱۹۹۰) در پژوهش خود اعلام کردند که اعضا در هر گروه باید با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و بسته به محل و نحوه تعامل، می‌تواند تعامل رسمی یا غیررسمی باشد، آنان اظهار داشتند که تعامل غیررسمی به طور معمول به دلیل نزدیکی مردم در یک فضای فیزیکی رخ می‌دهد. تعاملات غیررسمی همان برخورد اجتماعی هستند؛ آنها رسمی، برنامه‌ریزی و یا زمان‌بندی شده نیستند (گودوین، ۲۰۱۰: ۳۹۰). آنوکا در تعریف تعامل غیررسمی اینگونه بیان کرده است که، در بین اشکال مختلف تعامل نوعی ارتباط برای اهداف آرامش‌بخش است. این شکل از ارتباط می‌تواند به عنوان یک شکل مهمتر ارتباطات که مورد نیاز فضای تعامل در دانشگاه‌ها باشد مورد استفاده قرار گیرد (آنوکا^۵ و همکاران، ۲۰۱۶).

لوفور دسترسی پدیدارشناسانه به سه وجه تولید فضا را با مفاهیم درک‌شده، تصور شده و زیست‌شده نشان می‌دهد. و این سه مفهوم را اینگونه تعریف می‌کند که فضای درک‌شده را می‌توان با حواس به چنگ آورد؛ فضای تصور شده، اندیشه کردن فضا در اندیشه است و فضای زیسته، تجربه‌زیسته‌ی فضا است که از طریق تجربه زندگی روزمره بدست می‌آید (ترکمه و شیرخدایی: ۱۳۹۴). بنابراین با بررسی تجربه زیسته دانشجویان می‌توان به ادراک آنان درباره تجربه مورد پژوهش‌مان دست یابیم.

قشر دانشجو در آینده، گروه‌های متخصص و مرجع سایر مردم هستند و بنابراین مهم است که امروز به آنها توجه و زیست جهان آنها شناخته شود (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸). شناخت ویژگی‌ها و تمام ابعاد گوناگون زیست جهان دانشجویان و مفاهیم مرتبط با آن به صورت پازلی هستند که هر پژوهش اجتماعی می‌تواند بخشی از آن را تکمیل کند. پژوهش زیست دانشجویی به برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران حوزه آموزش عالی کمک می‌کند تا برنامه‌ریزی‌ها، استراتژی‌ها و خط‌مشی‌هایی که برای این قشر طراحی می‌شود، آگاهانه و معطوف به نتیجه‌ی مثبت باشد زیرا بدون شناخت عمیق زیست جهان دانشجویی با تمام پیچیدگی‌ها و ابعاد و عناصر و جزئیات، بسیاری از برنامه‌ریزی‌های آموزشی، فرهنگی و تبلیغی نه تنها نتیجه مثبت نخواهد داشت بلکه عاملی برای موضع‌گیری و مقابله خواهد بود. توجه

4. Kraut

5. Onwuka

به ادراک دانشجویان و معنای ذهنی آنها نسبت به مکان تعاملات دانشجویی و دوستانه خود، نیز به عنوان بخشی از زیست جهان دانشجویی، از موضوعات پراهمیت و نیازمند پژوهش است. با بیان این مقدمه، در پژوهش حاضر ما به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال هستیم که ادراکات ذهنی دانشجویان دانشگاه تهران از مکان‌های تعاملات غیررسمی و دوستانه‌شان چیست؟

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از آنجا که تعامل اجتماعی معمولاً بر حسب زمان و هم‌چنین بر حسب مکان دسته‌بندی می‌شود، وقتی زمینه تعامل اجتماعی را تحلیل می‌کنیم، توجه به سیر زمانی و مکانی، لازم است (رزاقی و قاندى، ۱۳۹۵: ۴۳۲). نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسی و روانشناسی نشان می‌دهند که طراحی مکان‌ها یکی از عوامل موثر در ترغیب افراد برای برقراری تعامل اجتماعی با یکدیگر می‌باشد (مرادی^۶ و همکاران، ۲۰۱۵). هر چند تعامل اجتماعی می‌تواند از طریق ارتباط غیرمستقیم حاصل شود، ولی تعاملات رو در رو قابلیت درک بیشتری را در حمایت‌های اجتماعی ایجاد می‌کند (سیمن^۷ و برکمن^۸، ۱۹۸۸؛ ولمن^۹ و همکاران، ۲۰۱۴). عوامل بسیاری بر تعاملات دانشگاهی تاثیرگذار هستند از جمله جریان گفتگو، فضای گفتگو، جنسیت دانشجویان، مکان تعامل و حتی اقامتگاه دانشجویی. بنابراین نمی‌توان از اهمیت مکان در تعاملات چشم پوشید و لازم است بعنوان عامل موثر بر شکل‌گیری تعامل، به آن توجه نمود.

بر اساس رویکرد هایدگر آگاهی مقید به عوامل متعدد زمانی و مکانی است زیرا کنشگران انسانی (در این بررسی دانشجویان) در بستر زمانی و مکانی زندگی می‌کنند و این بسترها هستند که به آگاهی کنشگر شکل می‌دهند. کنشگر در عین اینکه با فهم و آگاهی‌اش به جهان اطراف شکل می‌دهد و تفسیر می‌کند بلکه وقایع زمانی و مکانی نیز به آگاهی او شکل می‌دهند. در ساختار یک اجتماع علمی و در جریان گفتگو است که همبستگی بین اعضاء شکل می‌گیرد و

^۶. Moradi

^۷. Seeman

^۸. Berkman

^۹. Wellman

تعاملات بین افراد ایجاد می‌شود. پس وجود بستر و زمینه گفتگو در دانشگاه می‌تواند زمینه‌ساز تعامل بین دانشجویان شود. تعامل و گفتگوها در فضایی صورت می‌گیرد که می‌توان آن را فضای گفتگو نامید و در این فضای گفتگو است که تعامل افراد شکل می‌گیرد و ایده و افکار نو پدید می‌آید و هویت جدیدی در افراد ایجاد می‌شود (رزاقی و قاندي، ۱۳۹۵: ۶۹)، در واقع لازمه تشکیل تعامل بین افراد، ایجاد فضای گفتگو بین دانشجویان در دانشگاه است.

هایدگر، مکان را جنبه عمیق و پیچیده تجربه انسان از دنیا می‌داند و استدلال می‌کند که کنش و خواست انسانی، معنا را به فضا مترتب می‌سازد و فضای خالی را به یک مکان تجربه شده تبدیل می‌کند (افروغ، ۱۳۷۷). نوربرگ شولتز (۱۳۹۱) به تبعیت از هایدگر بیان می‌کند که "انسان بواسطه فضا بدنبال آن است که وجود خود را معنادار نموده و پایگاهی در فضا و زمان بدست آورد". وی حضور در فضا را امری فراتر از نیازهای کارکردی و اقتصادی می‌داند و آن را به معنای وجودی ارتباط می‌دهد (همان: ۵۴۳). وی معتقد است که "آدمی با حضور در فضا، معناها را آشکار می‌کند و به موجب آن، به حیات اجتماعی و هدف‌دار دست می‌یابد. از همین رو، هدف حضور در فضا، آشکار کردن معناها در قالب نظام مکان‌ها، معبرها و عرصه‌ها و کمک به معنادار ساختن وجود است و نه صرفاً برطرف نمودن نیازهای مادی" (سجادزاده و اریس: ۱۳۹۶).

معنا، اگرچه حاصل تفسیرهای افراد در مواجهه با چیزها در محیط است، ذاتی نیست و تعبیر و کنش افراد نقش مهمی در آن دارند (راپاپورت، ۱۹۹۰)؛ بنابراین می‌توان رابطه‌ای تعاملی بین مکان‌ها و افراد تشخیص داد که افراد در آن نقشی پویا ایفا می‌کنند. در واقع، افراد معنا را به مکان‌ها نسبت می‌دهند و طی زندگی خود، معنا را از آنها بیرون می‌کشند. افراد معنا را تولید، بازتولید و اصلاح می‌کنند (کودریافتسف، ۲۰۱۱). در نتیجه، این ارتباط معنایی با مکان‌ها دوسویه است. مانزو این رابطه دوسویه و پویا بین افراد و مکان را موجب شکل‌گیری روابط فعال و خلاقانه آنها با مکان‌ها می‌داند (مانزو، ۲۰۰۵).

صاحب‌نظران در زمینه تعاملات اجتماعی، نقش مکانهای عمومی را در ایجاد تعاملات اجتماعی مهم می‌دانند و بر این باور هستند که بیش از هر چیزی حضور سایر افراد در این مکان‌هاست که افراد را به هم جذب می‌کند و تعامل آنها با همدیگر را سبب می‌شود (قنبران و جعفری، ۱۳۹۳: ۶۱)، پس می‌توان گفت که تعامل افراد با یکدیگر موقعیت‌مند

است، یعنی در مکانی خاص و در مدتی معین صورت می‌گیرد، بر همین اساس مکان تعامل بسیار بر تعاملات دانشجویی تاثیر دارد، خصوصا اقامتگاه دانشجویی بیشترین تاثیر را بر رفتار دانشجویان ساکن در آن دارد (آلیسون براندون^{۱۰} و تریسی^{۱۱}، ۲۰۰۸) چون بعنوان محیطی هست که اکثر اوقات دانشجویان در آن صرف می‌شود.

معنای مکان از تعاملهای افراد و گروهها در آن مکان سرچشمه می‌گیرد. معنای مکان برای یک گروه یا فرد، از شیوه‌هایی که افراد به تعامل با یکدیگر و با در نظر گرفتن آن مکان می‌پردازند، حاصل می‌گردد. بنابراین، مکان در ماهیت خود صرفا یک پدیده جغرافیایی نیست بلکه کارکرد روابط و تعاملات است. به عنوان مثال، یک مکان را می‌توان یک جاذبه گردشگری، محل مذهبی مقدس و ... تعریف کرد. تمامی این تعاریف بر تعامل میان افراد و مکان و نیز میان افراد و گروههای حاضر در آن مکان، اشاره دارند. بنابراین در تعریف مکان، هم به جنبه‌های جغرافیایی و هم به جنبه‌های اجتماعی آن توجه می‌شود و براساس معنایی که افراد و گروهها به مکان در جنبه فیزیکی آن می‌دهند، سازماندهی می‌شوند. مکانها، بر پایه وقایعی که در آنها روی می‌دهد، معنا می‌یابند و توصیفات آنها با هدفها، ارزشها و تمایلات بشر درآمیخته است (تامس و کراس، ۲۰۰۶).

با اینکه تعامل به ارتباط بین دو یا چند نفر مربوط می‌شود ولی ذکر این امر بسیار مهم است که فضا زمینه وقوع تعاملات است. زمینه‌ای که بر کمیت و کیفیت تعاملات تاثیر دارد و در نظریات جامعه‌شناسی جزو مفاهیم مهم تلقی می‌شود (ویلیس و درسلر، ۱۳۸۸). برای تبیین تعاملات در حیطه دانشگاهی نظریه بوردیو^{۱۲} می‌تواند کمک‌کننده باشد. از نظر او مفهوم فضا نقطه شروع بسیار مهمی برای تفسیر از جامعه است، فضا، اولین و آخرین واقعیت است و صرفا تجمعی از افراد نیست (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵). از دیدگاه بوردیو، فضای اجتماعی نوعی فضای چندبعدی از مختصات است. در این فضا، عاملان اجتماعی در بعد اول براساس حجم کلی سرمایه‌ای که در اختیار دارند و در مرحله بعد براساس ترکیب سرمایه‌ای که دارند توزیع می‌شوند. با توجه به ویژگی سرمایه باید این تشابه بیان شود که سرمایه‌ها

¹⁰. Alison Brandon

¹¹. Tracey

¹². Pier Bourdieu

از طریق عملیات سرمایه‌گذاری انباشته می‌شوند و به فرد بعدی انتقال پیدا می‌کند و از فرصتهای داشتن آن سرمایه استفاده می‌کند (بونوی ویتس^{۱۳}، ۲۰۱۲).

سنت توضیح امور از طریق فضا را هانری لوفور^{۱۴} (۱۹۰۱-۱۹۹۱) جامعه‌شناس فرانسوی بسط داد و درباره فضامندی حیات اجتماعی آرای خود را عرضه کرد. به نظر او حداقل سه لایه از فضا از هم قابل تمایز هستند؛ فضای یک: که از تماس‌ها و حس‌های معمولی ما به هم می‌رسد. فضای دو: از طریق گفتمان‌های مختلف بازنمایی می‌شود، مثلاً برای برنامه‌ریزان شهری، فضا و اماکن و ارتباطات، معنایی فنی و تخصصی دارند. برای دانشگاهیان، پردیس و آکادمی‌ها فضای هنجاری خاصی هست. اما فضای سه؛ بیشتر غیررسمی، بسیط و مشحون از تجربه‌های زیسته ماست و از اعمال زندگی روزمره ما نشأت می‌گیرد و فضاهای احساس‌ها، انگیزش‌ها، معانی، تخیلات، تداعی‌ها و آگاهی‌های پنهان ماست. منبسط و سیال است، خاصیتی اثری دارد و در جریان و روان است (لوفور، ۱۳۸۰ به نقل از فراستخواه ۱۳۹۵). فضای سه مملو از (خود ابرازی) و خلاقیت و گونه‌گونی و تنوعات است. بیشتر خصیصه‌ای اجتماعی دارد. در فعالیت‌های خودجوش داوطلبانه و ارتباطات کدبندی نشده دانشجویها با هم و حتی با اساتید شکل می‌گیرد و فضایی برآمده از اعمال و ابتکارات درون جوش، رویداده از روابط غیررسمی گفتگویی و تعاملی است (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۳) تعاملات و فرهنگ و مناسبات میان نسلی و درون نسلی نه در خلا بلکه در فضا صورت می‌گیرد (همان، ۵).

با به کار بستن رویکرد شناخت‌شناسانه‌ی تولید فضا، به این نتیجه‌گیری دست می‌یابیم: فضای اجتماعی نه تنها در برگیرنده‌ی مادیتی انضمامی است بلکه دربرگیرنده‌ی مفهومی اندیشیده شده و نیز احساس است- دربرگیرنده‌ی "تجربه". زمانی که از چشم‌اندازی اجتماعی می‌نگریم، مادیت به خودی خود یا تجربه‌ی مادی به تنهایی و بدون اندیشه‌ای که آنها را هدایت و بازنمایی کند، و بدون مولفه زیست شده- تجربه شده؛ احساس‌هایی که در این مادیت صرف می‌شوند وجود ندارند (ترکمه و شیرخدایی: ۱۳۹۴). افراد مختلف بسته به نوع انگیزه‌ها و نیازهای مختلفی که دارند، قابلیت‌های مختلف محیط را ادراک کرده و با رفتاری که در راستای آن قابلیت در محیط از خود نشان می‌دهند به آن

¹³. Bonnewits

¹⁴. H. Lefebvre

محیط معنا می‌دهند (میسترز^{۱۵}، ۲۰۰۹). انسان از مکان‌های متفاوت تصاویر متفاوتی را در ذهن دارد. احساسات او می‌تواند بر روی ادراکاتش از محیط و شکل‌گیری تصویر ذهنی از مکان تاثیرگذار باشد. همین تصاویر ذهنی انسان هاست که به مکان هویت می‌دهد. علاوه بر ساختار کالبدی مکان، خاطرات افراد در هویت بخشیدن به مکان موثر است. (میرزایی و همکاران: ۱۳۹۱).

در جمع‌بندی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در خصوص مفهوم مکان، می‌توان اشاره داشت که تعدادی از پژوهشها به بیان نظریات و تعریف مفاهیم مرتبط با مفهوم مکان بسنده کردند (از جمله ترکمه و شیرخدایی، ۱۳۹۴؛ جوان و همکاران، ۱۳۹۲؛ توانا و شفيعی، ۱۳۹۳)، مکان در مباحث معماری و جغرافیای شهری و گردشگری نیز مورد توجه قرار گرفته است (از جمله همتیان، ۱۳۹۶؛ ایلکا و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمانزاده، ۱۳۹۶؛ پورمند و همکاران، ۱۳۸۹؛ لشگری تفرشی، ۱۳۹۷؛ سجاذزاده و اریش، ۱۳۹۶؛ شادمان، ۱۳۸۹؛ حیدری و بهدادفر، ۱۳۹۵؛ میرزایی و همکاران، ۱۳۹۱؛ نگین تاجی و همکاران، ۱۳۹۶)، تحقیقات اجتماعی نیز هرکدام از زاویه ای مفهوم مکان را مورد تحقیق قرار داده‌اند (از جمله توفیق و خراسانی، ۱۳۹۴؛ ضرغامی و بهروز، ۱۳۹۴). برخی از پژوهش‌ها به اهمیت و تاثیر محیط و مکان در ایجاد و گسترش تعاملات اجتماعی پرداخته و معتقدند که با طراحی فضای مناسب می‌بایست امکان گسترش ارتباطات و تعامل بین دانشجویان ممکن گردد (اسلامی، ۱۳۹۱). بنابراین بنظر می‌رسد توجه به این مفهوم در حوزه آموزش عالی و در محیط دانشگاه و در ارتباط با دانشجویان، موضوع مهم و کمتر پرداخته شده ای است.

پژوهش‌هایی نیز به زیست دانشجویی از ابعاد مختلف پرداخته‌اند از جمله فراستخواه (۱۳۹۲) به زیست دانشجویان درون دانشگاه و معنای ذهنی آنها از دانشگاه با استفاده از تحلیل پدیدارشناسی می‌پردازد، رضایی و کیا (۱۳۹۷) به بررسی زیست دانشجویی و بررسی تجربه آنان از قوانین در دانشگاه می‌پردازند و فراستخواه و همکاران (۱۳۹۶) زیست دانشجویی را از بعد دینی مورد بررسی قرار داده اند.

¹⁵ .meesters

روش تحقیق

پدیدارشناسی رویکردی توصیفی، تفسیری و بازاندیشانه برای درک ذات و ماهیات تجربه‌های زیسته افراد است که معمولاً از زبان خودشان روایت می‌شود. هدف از پژوهش‌های پدیدارشناختی توصیف تجربه‌های زندگی است، به همان صورت که رخ داده است. توضیحی مستقیم از پدیده‌ها، تجربه‌ها و رخدادها همان‌گونه که هستند و در زمان و مکان و جهانی که در آن زندگی می‌کنیم رخ می‌دهد. در این روش مفهوم "تجربه زیسته" نقشی اساسی دارد. مجموع تجربه‌های زیسته به تعبیر فن مانن همان "دنیای زندگی" است که به معنای "دنیایی از تجربه‌های زیسته" است. دنیایی که برای هر یک از ما زندگی روزمره را می‌سازد. زندگی طبیعی که ما را احاطه کرده و معمولاً بی‌آنکه بخواهیم - ناخواسته و ناخودآگاه- آن را مفهوم‌سازی و مفهوم‌پردازی می‌کنیم. فرآیندی مستمر که در ارتباطی بی‌وقفه و بی‌واسطه با آن هستیم (منصوریان، ۱۳۹۴).

در پدیدارشناسی توصیفی^{۱۶}، آنچه که به عنوان روش تحلیل توصیه می‌شود، روش استویک-کولایزی-کین^{۱۷} مدنظر موستاکاس (۱۹۹۴) است (به نقل از کرسول، ۱۳۹۱)، که شامل مراحل برای رسیدن به خوشه‌های معنایی و در نهایت توصیف ذات پدیده می‌شود. در این پژوهش، ما براساس روش تحلیل کولایزی و طی کردن دقیق مراحل آن به توصیف پرمایه از پدیده دست پیدا می‌کنیم. در ادامه مراحل توصیه شده برای تحلیل پدیدارشناسی را مرور می‌کنیم:

۱- ابتدا محقق تجربه شخصی خود از پدیده تحت مطالعه را بیان کند. این تلاشی است برای کنار گذاشتن تجارب شخصی پژوهشگر (که البته کاملاً قابل تحقق نیست) به گونه‌ای که بتوان به خوبی و مستقیماً بر روی مشارکت‌کنندگان تمرکز کرد (کرسول، ۱۳۹۱: ۱۹۳).

"تجربه زیسته پژوهشگر در خصوص تعاملات غیررسمی با دانشجویان دیگر و عضویت در اکیپ‌های دوستانه در مقطع لیسانس به این صورت بود که از سال دوم دانشجویی بطور اتفاقی با جمعی از دانشجویان آشنا شدم که وجه اشتراک ما همشهری بودن و تحصیل در دانشگاه تهران بود. بنابراین بطور خودجوش و بدور از نظارت دانشگاه گروهی

¹⁶ . Descriptive phenomenology

¹⁷ . Stevick-Colaizzi-Keen

تشکیل دادیم. ورود به این اکیپ دوستانه سبب شد تا دوری از خانواده و زندگی در خوابگاه با تمام سختی‌هایش برای ما آسان و دلپذیر شود. برنامه‌های تفریحی و اردوهای یک‌روزه به اطراف تهران و یا پارک‌ها علاوه بر گذران لحظاتی مفرح، سبب آشنایی با دانشجویان از رشته‌های مختلف تحصیلی شده بود. دوستانی از رشته‌های علوم اجتماعی، مدیریت، علوم پایه، فنی-مهندسی، روان‌شناسی و حقوق در این اکیپ دوستانه حضور داشتند. این بخش از تجربه زیسته من در مقطع کارشناسی در دانشگاه تهران، بخش پررنگ و مهمی از زندگی دانشجویی‌ام را تشکیل می‌داد. خوابگاه متاهلی که برخی از دوستان ما سکونت داشتند به عنوان پاتوق و فضای تجمع ما تبدیل شده بود و در آنجا احساس راحتی داشتیم. علاوه بر آن و پیش از آن، فضای مشخصی برای جمع شدن وجود نداشت. اکثر زمان‌ها جمع شدن در درون دانشگاه را به دلیل در دسترس بودن برای تمام دانشجویان ترجیح می‌دادیم. تعامل با دوستان در قالب این اکیپ دانشجویی سبب گسترش دامنه ارتباطات ما و آشنایی و برقراری جلسات با مسئولینی از هم‌شهریانمان نیز شده بود. این افراد از ایجاد و تداوم اکیپ‌های دانشجویی استقبال کرده و توصیه گسترش فعالیت‌های فرهنگی را در قالب این گعده‌های دوستانه را داشتند. ما دانشجویان نیز مطالبات و دغدغه‌های خود را با ایشان در میان می‌گذاشتیم."

۲-شناسایی افرادی است که پدیده مورد نظر را تجربه کرده‌اند.

ابتدا به جستجوی دانشجویانی پرداختیم که در اکیپ‌ها و گعده‌های دوستانه شرکت دارند و علاقمند به برقراری تعاملات غیررسمی و تشکیل گروه‌ها، حلقه‌ها، اکیپ‌ها و گعده‌ها با دانشجویان دیگر می‌باشند. بنابراین شرط اول تجربه پدیده مورد نظر است و دانشجویانی که بصورت منزوی به دانشگاه می‌آیند و به فعالیت در کلاس درس و ارتباط در قالب نظام رسمی آموزشی دانشگاه بسنده می‌کنند و یا علاقه‌ای به فعالیت در حوزه دانشجویی و شرکت در گعده‌های دانشجویی ندارند از انتخاب کنار گذاشته شدند.

۳-افق‌سازی ۱۸ داده. براساس داده‌های گردآوری شده از سوال‌های پژوهشی اول و دوم، تحلیلگران رو به داده‌ها آورده و جملات یا نقل قول‌های حاوی "اظهارات مهم" که گویای نحوه تجربه پدیده توسط مشارکت‌کنندگان هستند را

مشخص می‌کنند. موستاکاس (۱۹۹۴) این گام را افق‌سازی می‌نامد. این‌ها جملات و عبارتهایی هستند که مستقیماً به پدیده مورد نظر مرتبط هستند.

در این پژوهش پس از انجام مصاحبه‌ها و پیاده‌سازی آنها بر روی کاغذ، نقل قول‌های مهم که مستقیماً به نحوه تجربه پدیده مورد نظر ما (مکان تعاملات غیررسمی دانشجویی) مربوط بودند را مشخص کردیم. از ۲۱ مصاحبه‌ای که انجام شد به ۱۸۶ اظهار مهم رسیدیم. سپس پژوهشگر پس از تلاش برای پی بردن به معنای هر کدام از جملات مهم، این مراحل را برای هر پروتکل تکرار نموده و معانی فرموله شده و مرتبط به هم را در خوشه‌ای قرار می‌دهد.

۴- اظهارات مهم را در نظر گرفته و آنها را در قالب واحدهای اطلاعاتی بزرگتر، به نام خوشه‌های معنایی یا مضمون‌ها دسته‌بندی کنید (کرسول، ۱۳۹۱)

خوشه‌های معنایی ۱۹ را براساس اظهارات مهم و در قالب مضامین تشکیل دادیم. در این پژوهش پس از استخراج اظهارات مهم یا همان جملاتی که گویای نحوه تجربه مکان در تعاملات غیررسمی توسط دانشجویان بود، به ۱۲ خوشه معنایی رسیدیم: تفاوت‌های جنسیتی، احتراز از نظارت سیستم، بی‌هدفی و اتلاف وقت، حس آزادی، حس امنیت، تداوم تعاملات دوستانه، فرار از انزوا، تعامل میان‌رشته‌ای، توسعه دایره دوستی، پویایی، سرگرمی، گفتگوهای هدفدار.

۵- توصیفی از «آنچه» مشارکت‌کنندگان مطالعه در مورد پدیده تجربه کرده‌اند ارائه دهید. این توصیف «توصیف زمینه‌ای» تجربه نامیده می‌شود- آنچه اتفاق افتاده- و شامل نمونه‌های کلامی می‌شود (کرسول، ۱۳۹۱)

از این اظهارات مهم و مضامین برای نوشتن توصیفی در مورد آنچه مشارکت‌کنندگان تجربه کرده‌اند (توصیف زمینه‌ای) استفاده کردیم. که از طریق اشاره مداوم به نمونه‌های کلامی و نقل قول‌های مشارکت‌کنندگان به آن پرداخته‌ایم.

۶- توصیفی از «نحوه» تجربه ارائه دهید. که در مورد بستر یا محیط تاثیرگذار بر نحوه تجربه مشارکت‌کنندگان از پدیده ارائه می‌شود که به آن تغییر تخیلی ۲۰ یا توصیف ساختاری گفته می‌شود (کرسول، ۱۳۹۱)

۷- پژوهشگر بر مبنای توصیفات متنی و ساختاری، توصیفی ترکیبی می‌نویسد که گویای "ذات" پدیده مورد مطالعه است. اساساً در این بخش به تجربه مشترک مشارکت‌کنندگان پرداخته می‌شود و خواننده مطالعه پدیدارشناسی باید

¹⁹ . Clusters of meaning

²⁰ . Imaginative variation

پس از خواندن آن چنین حسی داشته باشد: "اکنون بهتر می‌فهمم که تجربه این موضوع برای یک فرد چگونه است" (پلکینگهورن، ۱۹۸۹؛ به نقل از کرسول، ۱۳۹۱: ۷۴).

درک، مفهوم کانونی پدیدارشناسی است. سوژه چگونه یک تصویر، چشم‌انداز یا بنای یادمانی را درک می‌کند؟ درک آشکارا به سوژه متکی است. با این همه نگرش لوفور به روایت پدیدارشناسانه از درک کاملاً شکاکانه است. از این رو او این روایت را با مفهوم تجربه فضایی می‌آمیزد تا نشان دهد که درک نه تنها در ذهن رخ می‌دهد بلکه همچنین بر مادیت تولید شده‌ی انضمامی مبتنی است. مفهوم امر زیسته نیز مرجعی پدیدارشناسانه را آشکار می‌کند (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۳).

در این پژوهش برای دستیابی به توصیف عمیق از مکان فعالیت‌های دوستانه‌ی دانشجویان و ادراک دانشجویان از این مکان‌ها، با استفاده از روش مصاحبه و مشاهده به جمع‌آوری اطلاعات از دانشجویان پرداختیم. در طول مصاحبه و گفتگو با دانشجویان سعی شد تا گفتگویی صمیمانه و دوستانه باشد. جو دوستانه در زمان مصاحبه نقش مهمی در بیان تجربیات روزمره دانشجویان به مصاحبه‌کننده دارد. مصاحبه‌ها در محیط دانشگاه تهران و در دانشکده‌های مختلف صورت گرفت تا علاوه بر گرفتن پاسخ سوالات از دانشجوی، برداشتی از محیط دانشکده‌های مختلف و نوع تعاملات جاری در آن داشته باشیم.

دلیل انتخاب دانشگاه تهران این بود که دانشگاه تهران دانشگاه مادر است و از جامعیتی برخوردار است بدین معنا که تمامی رشته‌ها را در خود دارد و به مانند یک جامعه کوچک است که هر قشری در آن حضور دارند. انتخاب از افراد متنوع و رشته‌های گوناگون و حضور در دانشکده‌های گوناگون هنرهای زیبا، علوم اجتماعی، فنی-مهندسی، علوم پایه، حقوق و علوم سیاسی، ادبیات و علوم انسانی و مدیریت و دانشکده‌هایی با فضاها و متفاوت، بر ارزش کار کیفی ما می‌افزاید. دانشگاه‌های تخصصی، رشته‌های تحصیلی محدودی دارند و واریانس زیادی نمی‌توان در انتخاب نمونه‌ها ایجاد کرد.

پژوهشگران غالباً توانایی اجرای پژوهش بر کل اعضای جامعه را ندارند، به همین دلیل پژوهش خود را به نمونه کوچکی محدود می‌کنند. یکی از تصمیمات مهمی که در پیش روی پژوهشگر قرار دارد انتخاب نمونه است (دلور، ۱۳۹۳). تعداد ۲۱ مصاحبه عمیق پدیدارشناسی با دانشجویان دانشگاه تهران به عنوان دانشگاه جامع کشور از طیف‌ها، گروه‌ها و دسته‌بندی‌های گوناگون دانشجویان در فضای دوستانه و غیررسمی صورت گرفته است تا نمونه با حداکثر نوسان انتخاب شود (پاتون^{۲۱} ۲۰۰۲). یعنی انتخاب مواردی با بیشترین تفاوت ممکن، تا بدین وسیله دامنه‌ی نوسان و تفاوت در میدان آشکار شود (فلیک، ۱۳۸۷). بدین منظور نمونه‌ای با رعایت تنوع از دانشجویان دانشکده‌های مختلف و از میان دختران و پسران انتخاب شدند. تمامی دانشجویان از دوره کارشناسی به عنوان افرادی که به طور معمول به دلیل داشتن فراغت بیشتر و تعداد واحدهای درسی بیشتر، زمان بالاتری را در محیط دانشگاه می‌گذرانند و از دید محققان می‌توانند خرد، تخیل و خلاقیت خود را به خوبی پرورش دهند و فرهنگ دانشگاه را پربار کنند (چن و تیان^{۲۲}، ۲۰۱۲) انتخاب شدند. از میان ۲۱ دانشجوی مصاحبه شده، ۱۱ دختر و ۱۰ پسر انتخاب شدند. پس از مراجعه به هر دانشکده و مصاحبه با دانشجویانی که در پاتوق‌های دوستانه با تعامل با دیگر دانشجویان می‌پردازند (تجربه‌ی پدیده‌ی مورد نظر ما)، پس از دریافت پاسخ‌هایی که در یک دامنه‌ای تکرار می‌شوند و در واقع رسیدن به اشباع نظری، به سراغ دانشکده‌ی بعدی رفتیم.

اینکه چه کسی را، در چه زمانی و در چه مکانی برای پژوهش برگزینید به ملاکهای معینی بستگی دارد که با توجه به هدف پژوهش تعیین می‌شود. نمونه‌گیری نظری^{۲۳} متناسب با هدف پژوهش ما و برای همین منظور به کار می‌رود. نمونه‌گیری نظری در طی مراحل پژوهش توسعه می‌یابد و نمی‌توان آن را از قبل طراحی کرد. اندیشه‌ها و مفاهیم نظری، گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (هومن، ۱۳۹۱).

²¹ . Patton, M.Q

²² . Xi shen & xianghong Tian

²³ . theoretical

مشارکت‌کنندگان این مطالعه باید به دقت انتخاب شوند تا دقیقاً همان افرادی باشند که همگی پدیده مدنظر را تجربه کرده و بتوانند تجارب زیسته‌شان را بیان و تشریح کنند به طوری که پژوهشگر در انتها بتواند به فهمی مشترک از آنها دست یابد. بدین معنا که دانشجویان مورد نظر ما در اکیپ‌ها و گعده‌های دوستانه شرکت داشته و به فعالیت‌های مختلف در مکان‌های گوناگون می‌پردازند. بنابراین از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که عامدانه و آگاهانه انتخاب می‌شوند (کرسول، ۱۳۹۱). از تعداد ۲۱ دانشجو از پردیس‌های دانشگاه تهران مصاحبه پدیدارشناسی انجام شد. از آنجا که اگر تعداد آزمودنی‌ها در نمونه انتخاب شده به اندازه کافی نباشد، اعتماد افراد نسبت به یافته‌های تحقیق دچار تزلزل خواهد شد (دلاور، ۱۳۹۳). بنابراین انتخاب نمونه‌ها را تا آنجا ادامه دادیم که به «اشباع نظری» رسیده و اینطور به نظر رسید که دانشجویان پاسخ‌های جدید و متنوعی به سوالات مصاحبه نمی‌دهند و پاسخ‌ها در یک دامنه ای تکرار می‌شوند. با رفتن به هر پردیس یا دانشکده جدیدی گویی درب تازه‌ای به روی محقق باز می‌شد و با فضای جدیدی در بین دانشجویان روبرو می‌شدیم و مصاحبه‌ها تا آنجا ادامه یافت که دیگر مفهوم جدیدی در آنها نیافتیم.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان پژوهش

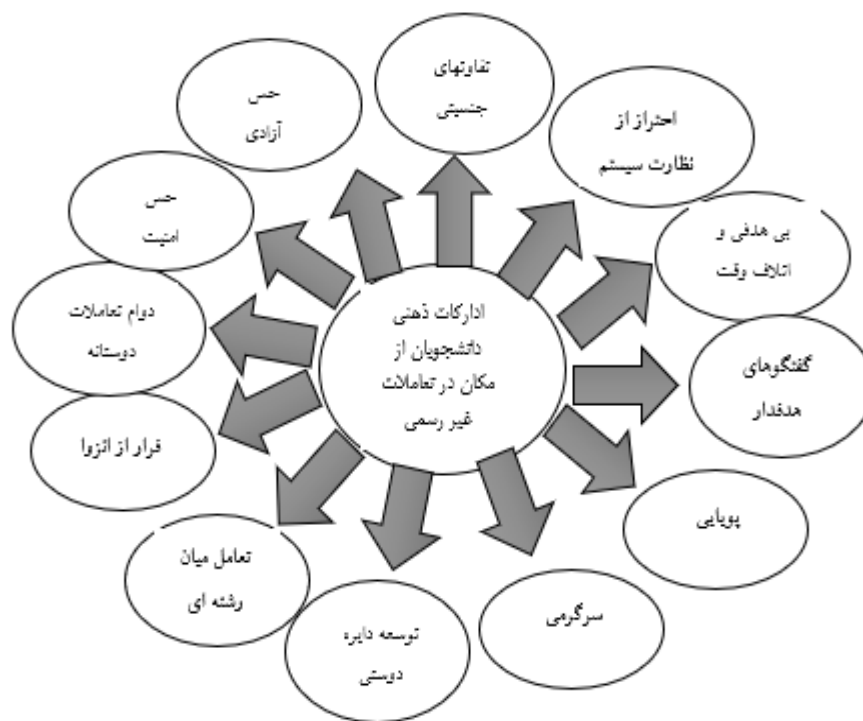
شماره	نام	جنسیت	رشته	دانشکده/پردیس	سن	تهرانی/شهرستانی
۱	افشین	پسر	شیمی	علوم پایه	۲۳	تهرانی
۲	حبیب	پسر	معماری	هنرهای زیبا	۲۲	تهرانی
۳	کسری	پسر	زبان و ادبیات عرب	علوم انسانی	۲۲	تهرانی
۴	پویا	پسر	حقوق	علوم انسانی	۲۰	شهرستانی/خوابگاه
۵	امین	پسر	مهندسی صنایع	فنی-مهندسی	۲۰	تهرانی
۶	محمد	پسر	IT	فنی-مهندسی	۲۰	تهرانی

۷	علیرضا	پسر	مدیریت بازرگانی	مدیریت	۲۲	شهرستانی/خوابگاه
۸	فرزاد	پسر	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	۲۷	شهرستانی/خوابگاه
۹	محمدحسین	پسر	طراحی صنعتی	هنرهای زیبا	۳۰	تهرانی
۱۰	جعفر	پسر	کامپیوتر	علوم پایه	۱۹	تهرانی
۱۱	سعیده	دختر	زمین شناسی	علوم پایه	۲۰	شهرستانی/خوابگاه
۱۲	میترا	دختر	ادبیات نمایشی	هنرهای زیبا	۲۰	تهرانی
۱۳	عارفه	دختر	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	۲۲	شهرستانی/منزل
۱۴	سوگند	دختر	مدیریت صنعتی	مدیریت	۲۳	تهرانی
۱۵	زهره	دختر	مهندسی عمران	فنی-مهندسی	۲۱	شهرستانی/خوابگاه
۱۶	آوا	دختر	تاریخ	علوم انسانی	۲۲	شهرستانی/خوابگاه
۱۷	مهیا	دختر	مهندسی شیمی	علوم پایه	۲۰	تهرانی
۱۸	سارا	دختر	زیست	علوم پایه	۱۹	شهرستانی/خوابگاه
۱۹	پریسا	دختر	شهرسازی	هنرهای زیبا	۲۱	تهرانی

۲۰	راضیه	دختر	علوم اجتماعی	علوم اجتماعی	۲۱	تهرانی
۲۱	آمنه	دختر	مهندسی کامپیوتر	فنی-مهندسی	۲۲	شهرستانی/خوابگاه

یافته‌ها

در این بخش به ادراکات و معانی ذهنی دانشجویان از مکان‌ها و پاتوق‌های گروه‌های دوستانه‌شان اشاره خواهیم داشت. پس از پیاده‌سازی هر مصاحبه پدیدارشناسی به استخراج معانی و ادراکات دانشجویان و توصیفاتی که از پاتوق‌های گروه‌های دوستانه خود داشتند پرداختیم. هر دانشجو معنایی را به این مکان‌ها می‌دهد که با دسته‌بندی انجام شده حول مفهوم اصلی پژوهش (مکان در تعاملات دانشجویان) به ۱۲ معنای ذهنی می‌رسیم. جهت توصیف عمیق از این ادراکات ذهنی، علاوه بر گزاره‌های بیان شده توسط دانشجویان در مصاحبه‌ها، به مشاهده مکان‌های درون دانشگاه که دانشجویان بعنوان محل مناسبی برای تعاملات غیررسمی و دورهمی‌ها و اکیپ‌های دوستانه خود انتخاب کردند پرداختیم که در ادامه به ادراکات ذهنی دانشجویان نسبت به این مکان‌ها می‌پردازیم.



شکل ۱: ادراکات ذهنی دانشجویان از مکان در تعاملات غیررسمی

دانشجویان تعاملات غیررسمی و جمع‌های دوستانه‌ی خود را در مکان‌هایی برقرار می‌کنند و به عبارت دیگر «پاتوق»ی برای خود دارند. آنها ادراکاتی از مکان‌های تعاملات غیررسمی خود با دوستان دانشجوییشان دارند که در شکل ۱ نشان داده شده است.

در میان یافته‌های بدست آمده از مشارکت‌کنندگان، به مفهوم «احساس امنیت» دست می‌یابیم. از جمله گزاره‌های اشاره شده توسط دانشجویان مبنی بر تمایل به ایجاد تعاملات دوستانه در درون دانشگاه و احساس امنیت بالاتر می‌توان به

مواردی اشاره داشت: «خارج از دانشگاه مدام استرس داریم که پلیس گیر بده»، «با تمام ژست روشنفکری که داریم، اگر دختر و پسر با هم باشیم ترجیح میدیم داخل دانشگاه باشیم ولی اگر همه پسر باشیم میریم بیرون سفره خانه‌ای جایی»، «خانواده خیلی اجازه بیرون رفتن رو بهمون نمیدن»، «ترجیح میدیم هر چند وقت یکبار برای تفریح بریم پارک یا جای دیگه ولی پاتوقمون توی دانشگاه باشه». دانشجوی پسر رشته علوم اجتماعی که بسیار به انجام فعالیت‌های سیاسی علاقمند است اما تمایلی به عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌های رسمی دانشگاه ندارد معتقد است که: «ما دورهمی‌هامون و بحث‌هامون رو توی دانشکده و بوفه برگزار می‌کنیم چون با محیط دانشکده آشنا هستیم و محیط امن هست و هزینه کمتری هم باید صرف کنیم اما در کافه خرجمون زیاد میشه و راحت نمی‌تونیم حرف بزنیم چون نمی‌دونیم اونی که کنارمون در کافه نشسته کی هست و حرفای ما رو می‌شنوه». تعدادی از دانشجویان "دوام و بقای گروه دوستی" خود را در امکان حضور در فضای دانشگاه می‌دانند به عبارت دیگر وجود فضای عمومی دانشگاه را ضامن دوام تعاملات دوستانه و اکیپ‌های دانشجویی می‌دانند. همانطور که دانشجوی پسر، ۲۰ ساله، رشته علوم اجتماعی که تعاملات و دایره دوستی گسترده‌ای در دانشگاه دارد و تمایل دارد تا فعالیت‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی و هنری را در قالب تعاملات غیررسمی با دوستانش (و نه در قالب انجمن‌های رسمی) انجام دهد در این باره معتقد است: «اگر فضای عمومی دانشگاه نباشه و بچه‌ها همدیگه رو نبینند گروه شعر ما هم ادامه پیدا نمی‌کنه. در زمان تعطیلی دانشگاه این اتفاق می‌افته». دانشجوی دیگر رشته علوم اجتماعی دوران تعطیلی دانشگاه را عاملی می‌داند که روابط اکیپ‌های دانشجویی کمرنگ‌تر بشود و یا در اکیپ‌هایی با موضوعات بحث جدی‌تر، به سختی مکانی برای دور هم جمع شدن پیدا کنند: «دانشگاه که تعطیل شد، ما موندیم کجا بریم. خونه هم اصلا نمی‌خواستیم بریم چون معتقد بودیم تعدادی از بچه‌های جمعمون احتمالا زیر نظر هستند بنابراین داخل خونه جمع شدن دردسرساز می‌شه و بهتره در محیط عمومی دور هم جمع شویم».

"فرار از انزوا و تنهایی" در درون دانشگاه از دیگر مفاهیمی است که دانشجویان برای حضور در فضاهای درون دانشگاه با دوستان دیگر خود بیان می‌کنند، بعنوان نمونه دانشجوی دختر، رشته گرافیک در دانشکده هنرهای زیبا معتقد است: «اصلا ماهیت اکیپ دوستانه‌مون اینه که داخل دانشگاه تنها نباشیم. پاتوقی داریم و در زمان بین کلاسها به جای تنها

بودن اونجا دور هم جمع میشیم". برخی از دانشجویان معنای "بی هدفی و اتلاف وقت" را به مکان‌های دورهمی دانشجویان می‌دهند. گزاره‌های بیان شده توسط دانشجویان: «اونجا هیچ کاری نمی‌کنن فقط می‌شینن. شاید گاهی حرف هم نزنند. سیگار می‌کشند یه قسمتی هست اسمش زیر سیگاریه اونجا می‌شینند سیگار می‌کشند. روی سکوها می‌شینند، هیچ هدفی نیست»، «جلو فنی محیط جذابی هست ولی کم کم به سمت ابتذال کشیده میشه. چون جای شلوغی هست خوبه بین کلاس‌ها اونجا میریم تا استراحت و بگو بخند کنیم. اتفاق مفیدی نمی‌افته فقط همه نشستن. وقت تلف کردند».

جلو فنی مکانی دقیقاً روبروی ورودی دانشکده فنی است که شامل سکوهای سنگی می‌شود. و محل تردد و رفت و آمد دانشجویان و اساتید به درون و یا بیرون از دانشکده است. محیطی نسبتاً بزرگ است که دانشجویان در اوقات فراغت و بیکاری و بین کلاس در این مکان‌ها می‌نشینند و به تعامل و گفتگو و خندیدن و صحبت در خصوص دانشجویان دیگر و اساتید می‌پردازند. تعدادی از دانشجویان معتقدند که آنجا صحبت‌های جدی صورت نمی‌گیرد و تعدادی بیان می‌کنند که موضوع گپ‌وگفت‌ها بستگی به فضای جامعه و موضوع روز جامعه دارد. دانشجویان معتقدند که جلو فنی برای ورودی‌ها و سالهای اول و دوم لیسانس است و از جمله‌ی «از ما گذشته است» استفاده می‌کنند تا نشان دهند که دانشجویان سال بالایی مکان‌های دیگری را برای گعده‌های خود انتخاب می‌کنند.

در طرف مقابل تعدادی از دانشجویان مکانهای دورهمی‌ها و گعده‌های دانشجویی خود را مناسب برای "فعالتهای هدفدار" و جدی و سیاسی-اجتماعی می‌دانند و از غیر این انتقاد می‌کنند. همانطور که دانشجوی پسر علوم اجتماعی که فردی غیرمذهبی است می‌گوید: «من اصلاً حیاط پشتی نمیرم. چون از برخی آدم‌هایی که آنجا گعده می‌کنن خوشم نمیاد. ما کار سیاسی می‌کنیم اونها فقط اداشو در میارن. از آدمهای سطحی اینطوری خوشم نمیاد و بنابراین اون پشت که پاتوقشونه ما نمیریم و مکان دیگری برای پاتوق خودمون انتخاب می‌کنیم که کار درست حسابی درش انجام بدیم».

تعدادی از دانشجویان "احساس آزادی" را از مکان‌های دوره‌های دانشجویی خود ادراک می‌کنند. همانطور که دانشجوی رشته IT، معتقد است که: «دانشجویان در دانشکده مدیریت احساس آزادی و راحتی می‌کنند و گویا در خانه خود هستند، چون دانشکده محیط باز و خوبی دارد و مکانهای خوبی برای دوره‌های دوستانه ما در دانشکده فراهم است؛ اساتید و رییس دانشکده با دانشجویان رابطه خوبی دارند و در دسترس هستند و دانشجویان را واقعا دوست دارند».

مکانی که به عنوان پاتوق اصلی دانشجویان در دانشکده مدیریت وجود دارد، محیطی سرسبز و نسبتاً بزرگ با درختان و تعدادی آلاچیق و زمین بسکتبال و والیبال است. که در بین دانشجویان به نام «جنگل» شناخته می‌شود. دانشجویان بیان می‌کنند که ما در این مکان احساس آزادی زیادی داریم و به گفتگو و خنده و بازی پانتومیم و بدمینتون و ... مشغول می‌شویم و به دلیل فراهم بودن مکان‌های مناسب برای دوره‌هایشان، درون دانشکده را برای پاتوق‌های دوستانه ترجیح می‌دهند.

"توسعه دایره دوستان" از معانی دیگری است که دانشجویان از پاتوق‌های دوره‌های دانشجویی خود ادراک می‌کنند. دانشجوی پسر رشته مهندسی عمران از فضای جلوفنی می‌گوید: «جلوفنی یه آسیب به ما زد اونهم این بود که کلاس نمی‌رفتیم و این جلو می‌نشستیم. به آدمها فرصت آشنا شدن میده. هی دایره دوستان آدم زیاد میشه. فضای وسوسه‌انگیزی هست. خیلی از دوستای جدی که توی دانشگاه دارم از همین جاست. همچین فضایی توی فنی بالا خیلی کمتر هست». معنای "سرگرمی" نیز از ادراکات دانشجویان است که گزاره‌های آن در ادامه می‌آید: دانشجوی پسر ۲۴ ساله، رشته حسابداری که با دو پسر دیگر در آلاچیق نشسته‌اند و گپ می‌زنند، در این باره می‌گوید: «دانشجویان و همکلاسی‌های دختر و پسر در این مکان بیشتر به گذران اوقات فراغت و میان دو کلاس، با صرف چای و یا بازی و بگو بخند می‌گذرانند. اکثریت بچه‌ها از قشر خاکستری جامعه هستند و فاکتورهای سیاسی و اجتماعی در اکپ‌های دوستانه آنها جایگاه زیادی ندارد. به دلیل فضای خوبی که دانشکده دارد کمتر بچه‌ها بیرون از دانشکده میرن». دانشجوی دختری که در سال سوم دوره کارشناسی رشته مهندسی شیمی تحصیل می‌کند و بالاترین معدل را در میان همکلاسی‌های خود دارد معتقد است که فضاهای دوره‌های دانشجویی درون دانشگاه از آنجا که ماهیت سرگرمی دارند بنابراین

برای ترم اولی‌ها مناسب است: «جلو فنی خیلی باحاله، همه توی دیدن، آمار بقیه رو می‌گیریم غیبت می‌کنیم خیلی خوش می‌گذره. ترم پایینی‌ها بیشتر میرن که بقیه رو بشناسن. تفریح الکی وقت بگذرونی یه جور الکی خوش بودنه».

"احتراز از نظارت سیستم رسمی" از جمله معانی پرگفته توسط دانشجویان بوده است. دانشجویان بیان می‌کنند که در دوره‌های دوستانه خود تمایل دارند تا دور از نظارت سیستم رسمی به فعالیت‌ها و سرگرمی‌های مورد علاقه خود بپردازند. و عموماً مکان‌هایی که این خواسته آنها را برآورده می‌کنند بعنوان پاتوق دوستانه انتخاب می‌کنند. در درون پردیس مرکزی دانشگاه مکان‌های مشترکی وجود دارد که دانشجویان از تمام دانشکده‌ها به آنجا می‌روند. و پاتوقی برای دانشجویان رشته‌های گوناگون است. یکی از این مکان‌ها در بین دانشجویان به نام «لاو گاردن»^{۲۴} معروف است. محیطی بزرگ و سرسبز که درخت‌های زیادی دارد و نیمکت‌ها به صورت دو یا سه تا روبروی یکدیگر و یا میز و صندلی‌های سیمانی، محیطی مناسب را برای دوره‌های پرجمعیت فراهم کرده است. نیز گاهی دانشجویان دختر و پسر برای اینکه ناهار خود را در فضای مشترکی صرف کنند به این مکان می‌آیند.

دانشجویان، لاو گاردن را مناسب برای برگزاری تولدهای خود و دوستانشان می‌دانند. آنها به دلایل مختلف از جمله امکان جمع شدن تعداد بیشتری از دانشجویان در درون دانشگاه و هزینه کمتر، این مکان را برای تولد به مکان‌های بیرون از دانشگاه از جمله پارک و کافه ترجیح می‌دهند. و با عنوان «منطقه آزاد دانشگاه» از آن نام می‌برند. در واقع آنچه که در این فضا برای دانشجویان اهمیت دارد در دسترس و کم هزینه بودن و عدم احساس سایه سنگین نظارت رسمی بر دوره‌های و گعده‌های دوستانه‌ی آنهاست.

مکانی که در دانشکده علوم اجتماعی به عنوان پاتوق اکیپ‌های دانشجویی از آن نام می‌برند «حیاط پستی دانشکده» است که در پشت سلف قرار دارد و از دانشجویهای قدیم‌تر تا الان به عنوان مکانی برای جمع شدن و نشستن دوستانه شناخته می‌شود. گاهی تنها جایی که سیگار کشیدن و یا دراز کشیدن بر روی چمن‌ها خصوصاً برای دختران امکان‌پذیر است حیاط پستی دانشکده است. اما گویا دیوار نامرئی وجود دارد، و تعدادی از دانشجویان ترجیح می‌دهند حیاط

پشتی را برای گعده‌های دوستانه انتخاب نکنند. دانشجوی دختر رشته علوم اجتماعی که فردی مذهبی است و در اکپ‌های دانشجویی زیادی عضویت و فعالیت دارد در خصوص حیاط پشتی بیان می‌کند: «یکسری مذهبی‌ها اصلاً اون پشت نمی‌روند. یکسری مذهبی‌ها هم از قصد می‌رن که فضا رو کامل برای اون‌ها باز نگذارند و رفتارهای نامناسب انجام ندن». تعدادی از دانشجویان از نصب دوربین در این مکان برای نظارت توسط دانشگاه می‌گویند اما معتقدند از آنجا که دوربین به سمت نیمکت و فضای نشستن آنها نیست بنابراین نگرانی ندارند. این امر نشان می‌دهد که دانشجویان در تعاملات غیررسمی خود از فضاهایی که نظارت نظام رسمی دانشگاه بر آن باشد به شدت فراری هستند. چه فعالیت‌هایی که به نوعی هنجارگریزی محسوب می‌شود و چه فعالیت‌های فرهنگی و هنری که در اکپ‌های دوستانه انجام می‌شود و دانشجویان ترجیح می‌دهند بطور غیررسمی باقی بماند و دانشگاه دخالت و یا نظارتی بر جمع دوستانه آنها انجام ندهد. همانطور که دانشجوی پسر، رشته علوم اجتماعی بیان می‌کند: «حلقه شعر ما بسیار خوب پیش می‌رفت و بچه‌ها استقبال می‌کردند اما همین که دانشگاه وارد شد و خواست آن را بطور رسمی در بیاورد توسط بچه‌ها پس‌زده شد».

از جمله مکانی که در روبروی دانشکده فنی است اما چند پله به پایین می‌رود و با دیواری کوتاه جدا شده، به عنوان مکانی دنج و دور از دید با تعدادی نیمکت‌هایی که روبروی یکدیگر گذاشته شده‌اند مکانی مناسب برای گعده‌های دانشجویان است. آنها این مکان را برای سیگار کشیدن خصوصاً دختران، راحت‌تر و مناسب‌تر می‌دانند. دانشجویان در این مکان نظارت کمتری از طرف سیستم رسمی احساس می‌کنند و بنابراین احساس آزادی بیشتری دارند.

دانشکده مدیریت از جمله دانشکده‌هایی است که فضای بزرگ و محیط‌های گوناگونی برای حضور دانشجویان و اکپ‌های دانشجویی دارد. یکی از این پاتوق‌ها پشت ساختمان دانشکده مدیریت است که به نام «دشت بشر» و برای سیگار کشیدن افرادی که در حضور دیگران تمایل ندارند، معروف است. نصب دوربین هم نتوانسته تغییری ایجاد کند و دانشجویان معتقدند مکان‌هایی نقطه کور هستند که از دوربین قابل مشاهده نیست. در این مکان، تعداد کمی از دانشجویان می‌روند و مکان عمومی برای حضور تمام دانشجویان نیست به این دلیل که معتقدند آنجا مکان جذابی نیست و درخت و سایه و چمن ندارد.

مفهوم "پویایی" یکی از ادراکات دانشجویان از مکان دوره‌های دوستانه خود در دانشگاه است. بدین معنا که دانشجویان ایجاد دوره‌های دوستانه و رسیدگی به علایق خود و آشنایی با دانشجویانی از رشته‌های گوناگون و تعامل با آنها را سبب حس پویایی در خود می‌دانند. دانشجویان پردیس علوم پایه، پاتوق اصلی را لابی معرفی می‌کنند. و در دسترس بودن و راحت بودن و پویایی را دلیل جمع‌شدن در لابی می‌دانند. صحبت‌های روزمره، آسودگی بعد از خستگی کلاس، انجام بازی پانتومیم و تماشای فوتبال بطور دسته‌جمعی از طریق لپ‌تاپ و شور و حال بازی‌های فوتبال را در لابی انجام می‌دهند و معتقدند که لابی علوم پایه در میان همه دانشکده‌ها معروف است به شلوغ و پویا بودن و نیز امکان تعامل میان دانشجویان رشته‌های گوناگون و دختر و پسر را فراهم می‌کند. همانطور که دانشجوی پسر رشته شیمی، در حال تماشای فوتبال از طریق لپ‌تاپ با دیگر دوستان خود در لابی دانشکده علوم پایه، معتقد بود که: "اینجا می‌تونیم با بچه‌های رشته‌های دیگه دانشکده دور هم جمع بشیم. بچه‌های زمین‌شناسی، زیست و ریاضی میان لابی همه دور هم می‌شینیم و حرف می‌زنیم و رفاقت می‌کنیم. شاید اگه لابی مون اینقدر فعال و پرشور نبود این جمع‌های ما هم به این صورت شکل نمی‌گرفت". بنابراین تعامل میان‌رشته‌ای و توسعه دایره دوستی‌ها اهمیت زیادی برای دانشجویان دارد که این امر را در درون دانشکده و بدلیل محیا بودن فضا برای تعاملات انجام می‌دهند.

در لابی علوم پایه به خاطر حضور زیاد دانشجویان و تمایل برای نشستن و گعده کردن، چند سالی است که دانشگاه سکوهای پهنی را اطراف ستونهای داخل لابی ایجاد کرده است که راحتی بیشتری را برای دانشجویان و حضور بیشتر و نشستن در لابی فراهم کرده است. و این فراهم کردن فضا از طرف دانشگاه، برای دانشجویان بسیار لذت‌بخش است.

"تفاوت‌های جنسیتی" از جمله مفاهیم دیگری است که دانشجویان در ادراکات خود از مکان‌های تعاملات غیررسمی و دوستانه خود بیان می‌کنند. این مفهوم نشان‌دهنده تاثیر عامل جنسیت در شکل‌گیری دوره‌های دانشجویی در پاتوق‌های دوستانه است که برخی از دانشجویان به آن اشاره داشتند. مکانی در دانشکده مدیریت به نام «حوض کثیف» در بین دانشجویان معروف است که یک حوض بزرگ در وسط و نیمکت‌هایی در اطراف آن وجود دارد. دانشجویان پسر ترم بالایی بیشتر در این محل دوره‌های تشکیل می‌دهند، گپ و گفت می‌زنند و اوقات بین کلاس را در آنجا می‌گذرانند و گاهی سیگار می‌کشند. معمولاً دانشجویان دختر در این مکان جمع نمی‌شوند. یکی از ویژگی‌های تعامل

غیررسمی در فضای دانشگاه عبارت است از اینکه مبتنی بر جنسیت است. و تفاوت‌های جنسیتی در برخی از فضاهای تعاملات دانشجویان نیز دیده می‌شود از جمله مکان‌هایی که دانشجویان پسر آنجا را برای تعاملات خود انتخاب می‌کنند و گویی دیواری نامرئی مانع از حضور دختران می‌شود و همچنین مکان‌هایی پنهان که دانشجویان دختر در آنجا احساس آزادی بیشتری کرده و فعالیت‌هایی همچون سیگار کشیدن و دراز کشیدن بر روی چمن‌ها که بلحاظ فرهنگی برای دختران ناپسند پنداشته می‌شود را در آن محل‌ها انجام دهند. در تعاملات موضوع جنسیت دارای اهمیت است، مردان به طور سنتی در استفاده از فضا و برقراری ارتباط از آزادی بیشتری نسبت به زنان برخوردارند و حتی خیلی راحت می‌توانند در تعامل وارد حریم شخصی افراد دیگر شوند و در صورت وقوع و داشتن برخورد صمیمانه با جنس مخالف کمتر دچار مشکل می‌شوند و همین امر سبب می‌شود تا نحوه تعامل بین زنان و مردان متفاوت نماید (رزاقی و قانلی، ۱۳۹۵: ۴۲۷). و این متغیر در فرهنگ نسبتاً مذهبی و سنتی کشور ایران ابعاد پر رنگ‌تری به خود می‌گیرد.

در پردیس هنرهای زیبا، دانشجویان معتقدند که به دلایل مختلف ممکن است پاتوق‌های متفاوتی را برای جمع‌های دوستانه انتخاب کنند. دختران محیط‌های پنهان‌تری را برای سیگار کشیدن انتخاب می‌کنند اما پسران آزادانه‌تر در محوطه عمومی دانشگاه نیز سیگار می‌کشند. یکی از مکان‌هایی که نام می‌برند پشت دانشکده تئاتر که به سمت نرده‌های دانشگاه است. زمین فوتبال از جمله مکان‌هاییست که پسران برای بازی در عصرها انتخاب می‌کنند اما زمین بسکتبال یا پینک پینک مکان‌هایی هستند که دختر و پسر به بازی می‌پردازند و تفکیک جنسیتی وجود ندارد. در زمان‌های گوناگون و با توجه به رفتارهای دانشگاه و عوامل دیگر، دانشجویان پاتوق‌های خود را تغییر می‌دهند. پردیس هنرهای زیبا به دلیل اینکه دانشکده‌های گوناگون و رشته‌های متفاوتی دارد دانشجویان هر کدام از دانشکده‌ها مکان‌های مخصوص به خود را در دانشگاه انتخاب می‌کنند. دانشجوی رشته هنر بیان می‌کند: «نرده‌هایی که اطراف دانشگاه هست ما معمولاً اطراف این نرده‌ها که دور ساختمان دانشکده‌مون هست جمع میشیم. یه جور پشت به دانشکده‌مون هست رو به خیابون».

پس از توصیف مکان‌های مورد علاقه دانشجویان در هر دانشکده برای ایجاد دورهمی‌ها و تصورات و ادراکاتی که نسبت به این مکانها ابراز کردند می‌بایست اشاره داشت که تعدادی از دانشجویان برای برقراری تعاملات دوستانه خود ترجیح می‌دهند در مکانی خارج از محیط دانشگاه دور هم جمع شوند. دانشجویان به خانه به عنوان مکانی که دوست دارند اکیپ دانشجویی خود را تشکیل دهند اشاره می‌کنند. گاهی خانه والدین و گاهی خانه مجردی که یکی از دانشجویان دارد. در مواردی ازدواج دانشجویانی که درون یک اکیپ دوستانه اتفاق می‌افتد، باعث می‌شود که منزل آنها پاتوقی همیشگی برای دوستانشان بشود. همانطور که دانشجوی دختر، ۲۱ ساله رشته علوم اجتماعی بیان می‌کرد: «دو تا از بچه‌ها با هم ازدواج کردند و خونه‌شون شد پاتوق ما، دلم می‌سوخت برای دوستم چون همش خونه‌شون بودیم و باید لباس رسمی می‌پوشید توی خونه خودش. می‌گفتم خونه‌تون لایه. ولی خب دوست داشتیم و راحت بودیم اونجا». دانشجویان دیگر نیز بدلیل احساس راحتی و عدم اجبار به رعایت هنجارهای نظام رسمی، خانه را بعنوان محلی برای دورهمی‌های دوستانه ترجیح می‌دهند: «توی خونه صمیمی‌تر و اوکی‌تریم. توی دانشکده باید یک چیزهایی رو رعایت کنیم». «به خاطر کارهای تئاترمون شب خونه همدیگه می‌مونیم دسته جمعی کار می‌کنیم (مختلط)».

دومین مکانی که به آن اشاره شده است خوابگاه است. آنهم توسط دانشجویان غیرخوابگاهی که ترجیح می‌دهند با دوستان خوابگاهی خود وارد آنجا شده و جمع‌های دوستانه خود را در خوابگاه داشته باشند. «خوابگاه هیجان‌انگیزه. اینترنت مجانی هم داره»، «خوابگاه نزدیک دانشگاهه و راحت‌تر دسترسی به دانشگاه هست فضاش صمیمی‌تره و راحت‌تریم و وقت داریم تا صبح بحث کنیم»، «ما که تهرانی هستیم میریم اتاق دوستانمان در خوابگاه و اونجا دور هم می‌شینیم». مزیت خوابگاه برای برگزاری جمع‌های دوستانه و دورهمی‌های خود را نبود محدودیت زمانی عنوان می‌کنند.

مکان دیگری که تعدادی از دانشجویان به عنوان پاتوق از آن یاد کرده‌اند کافه است. خصوصا کافه‌های نزدیک دانشگاه در میدان انقلاب و ولیعصر. دانشجویان برای گپ و گفت و خنده و یا صحبت‌های جدی‌تر به کافه می‌روند و آن مکان را برای جمع شدن انتخاب می‌کنند. همچنین به سورپرایز کردن و برگزاری تولد برای دوستانشان در کافه اشاره می‌کنند.

هر چند در مواردی به دلیل هزینه داشتن این گونه مراسم‌ها، مکان‌های عمومی‌تر از جمله پارک را برای این کار انتخاب می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مطالعات متعددی به مفهوم مکان در زمینه‌های گوناگون شهرسازی، معماری، گردشگری، کتابداری و اطلاعات پرداخته‌اند که در بخش پیشینه پژوهش به آنها اشاره شد، نیز مطالعاتی به اهمیت طراحی فضاهای رسمی در دانشگاه از جمله کلاس درس و تاثیر مکان در بهبود آموزش و یادگیری و افزایش لذت یادگیری پرداخته‌اند (مایک نیری^{۲۵} و آنجلا ثودی^{۲۶}، ۲۰۰۹؛ فریره^{۲۷}، ۱۹۷۰؛ رانسییر^{۲۸}، ۱۹۹۱ و ثریفت، ۲۰۰۸؛ به نقل از لس بل و همکاران، ۱۳۹۶) اما پژوهش‌های کمتری به مفهوم مکان در فضای غیررسمی زندگی دانشجویی و بررسی این مفهوم در اکیپ‌ها و جمع‌های دوستانه و دانشجویی توجه داشته‌اند. آنطور که در یافته‌ها نشان داده شد، دانشکده‌های متفاوت دانشگاه تهران، مکان‌ها و پاتوق-های گوناگونی برای اکیپ‌های دانشجویی دارند. بر آن مکان‌ها اسم‌های خاص همچون «لاو گاردن»، «حیات پستی»، «حوض کثیف»، «جنگل»، «دشت بشر» و ... می‌گذارند و این اسامی و پاتوق‌ها نسل به نسل به دانشجویان بعدی منتقل می‌شود.

آنچه که در این بحث جالب توجه است، انتخاب مکان‌های «پنهان» و «دور از نظارت» سیستم رسمی توسط دانشجویان می‌باشد. دانشجویان در اغلب موارد تمایل دارند تا در مکانی به تعامل و گپ و گفت و بازی بپردازند که سیستم رسمی بطور مستقیم بر آنها نظارت نداشته و یا نظارت کمتری داشته باشد. همانطور که یکی از معانی اصلی بدست آمده از مصاحبه‌ها نیز اشاره به معنای فرار از سیستم رسمی دانشگاه دارد. دانشجویان اکثراً حیات‌خلوت‌ها و محوطه‌های پشت دانشکده‌ها را برای گعده‌های دوستانه انتخاب کرده و یکی از دلایل آن را، احساس راحتی و آزادی عمل بیان می‌کنند.

²⁵ . Mike Nairi

²⁶ . Angela Audi

²⁷ . Paulo Freire

²⁸ . Rancière

دانشجویان به دنبال دگر مکان‌ها^{۲۹} و مکان‌های سوم^{۳۰} بعنوان مکان‌هایی که بیرون از سیستم‌های برنامه درسی رسمی و یا ماشین‌های سیاسی به آن می‌پیوندند، هستند. بدین معنا که از مکان‌های شناخته شده دانشگاه که هنجارها و قواعدی برای آنها تعریف شده است عبور کرده و مکان‌های جدیدی مناسب با زیست خود و نیازها و ترجیحات خود و دوستانشان انتخاب و در آن مکان به تعاملات خود می‌پردازند. "الدنبرگ" بعنوان فردی که اصطلاح مکان سوم را برای اولین بار مورد استفاده قرار داد، معتقد است که این گونه مکانها تامین کننده برخی از نیازهای اجتماعی هستند که ممکن است در خانه یا محل کار برآورده نگردند (چینگ، ۲۰۰۲). نیاز دانشجویان به توسعه دایره دوستی خود، تعامل با دانشجویانی از رشته‌های گوناگون که در کلاس درس امکان برقراری ارتباط و آشنایی با دنیای آنها و فرهنگ میان‌رشته‌ای وجود ندارد، ایجاد سرگرمی و اوقات خوش و بگو و بخند و بازی با دوستانشان، حس آزادی و راحتی و نبود نظارت رسمی بر فعالیتهای سرگرم‌کننده و یا گفتگوهای هدفدار و تحلیل‌های سیاسی و اجتماعی، فرار از انزوا و تنهایی در محیط دانشگاه خصوصاً دانشجویان دوره کارشناسی که ساعات بسیار زیادی در طول روز و هفته را در فضای عمومی دانشگاه سپری می‌کنند، قوت بخشیدن و تداوم گروههای دوستانه و موارد دیگر، همه و همه در فضاهای مشترکی که دانشجویان به ایجاد دورهمی و اکیپ‌های دوستانه و گعده‌های دانشجویی می‌پردازند، تحقق می‌یابد. و لزوم شناخت و آگاهی سیستم رسمی نسبت به این نیازها و در وهله بعد توجه به این نیازهای دانشجویان می‌بایست مورد توجه قرار گیرد. به نظر می‌رسد حضور دانشجویان در مکان‌ها و ایجاد پاتوق‌های دوستانه برای شکل‌دهی جمع‌های دانشجویی خود تمام ویژگی‌های مکان سوم را دارد. از جمله اینکه مطابق با گزاره‌های بدست آمده از مصاحبه با دانشجویان، آنها با میل خود به این مکان‌ها رفت و آمد می‌کنند، هیچ یک نقش میزبان را ایفا نکرده و همگی احساس آسایش و راحتی دارند. مکان سوم موجب برابری است بدین معنا که در دسترس همه آنها قرار دارد و به وضع معیارهای رسمی عضویت و اخراج نمی‌پردازد. بنابراین، همانطور که دانشجویان اشاره داشتند، به توسعه شبکه اجتماعی آنها و ایجاد دوستی‌های جدید در دانشجویان کمک می‌کند. "گفتگو" فعالیت اصلی در این مکان‌هاست. در واقع مکالمه و گفتگوی مفرح و سرگرم‌کننده مهم‌ترین وجه تمایز مکان سوم از دیگر مکان‌هاست. پاتوق‌های دانشجویان همانند دیگر

²⁹ . Other place

³⁰ . Third place

مکان‌های سوم، دسترسی‌پذیر هستند و همانطور که ادراکات ذهنی دانشجویان نشان داد در دسترس بودن یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مورد نظر دانشجویان برای ایجاد دوره‌های دوستانه است. در بسیاری از موارد به دلیل دسترسی آسانتر، درون دانشگاه را به بیرون ترجیح می‌دهند. همانطور که دانشجوی پسر، رشته ادبیات عرب بیان می‌کند: "چون خونه‌هامون دوره داخل دانشگاه رو ترجیح میدیم". الدنبرگ، یکی از ویژگی‌های مکان سوم را سرزندگی دائمی بیان می‌کند. دانشجویان در جمع‌های دوستانه خود در درون و یا بیرون از دانشگاه بدنبال گذراندن اوقات خوش و گفت و شنود و خنده و سرگرمی هستند و در برخی اوقات که موضوع گعده‌های خود را فعالیت‌های جدی از جمله بحث‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مسائل مربوط به دانشگاه، اساتید و از این دست بیان می‌کنند، پویایی و دوری از خشک و جدی بودن در گعده‌ها و اکپ‌های دوستانه را از ویژگی‌های مهم و مدنظر تمام دوستان خود معرفی می‌کنند. مکان‌هایی که دانشجویان در آن جمع می‌شوند و دوره‌های خود را شکل می‌دهند، موجد سرمایه اجتماعی هستند زیرا میان افراد، ارتباط، پیوند و اعتماد ایجاد می‌کنند و مانند یک جامعه کوچک را شکل می‌دهند. دانشجویان با تعاملات خود قواعدی را برای دگر مکان‌ها تعریف می‌کنند که بیانگر زیست دانشجویی است. همانطور که دانشجویان مصادیق این قواعد را در صحبت‌های خود اشاره می‌کنند. دانشجوی پسر رشته مدیریت در این باره می‌گوید: « پشت ساختمان هیچ جذابیتی ندارد. نه فضای سبزی نه درختی و نه سایه ای، اما تعداد معدودی به آنجا می‌روند که سیگار بکشند و یا افرادی که در عوالم خودشان هستند و تفکرات فیلسوفانه دارند. اگر آنجا بروید در کل ۲۰ نفر آدم ثابت می‌بینید. مرزبندی هست که هر کسی آنجا نمی‌رود». همانطور که دانشجوی دختر رشته علوم اجتماعی که فردی مذهبی است می‌گوید: « حیا پشته‌ی دانشکده را مذهبی‌ها نمی‌رن، تعدادی از مذهبی‌ها هم از قصد میرن اونجا که فضا برای اونوری‌ها باز نباشه. یه مقدار خودشون رو جمع و جور کنند. البته اونها هم خوششون نمیاد که مذهبی‌ها برن چون با وجود اونها راحت نیستند».

فضای عمومی دانشگاه و دانشکده‌ها تاثیر بسزایی در انتخاب مکان‌ها توسط گعده‌های دانشجویی دارد. دانشکده‌هایی هستند (از جمله دانشکده مدیریت دانشگاه تهران) که بدلیل داشتن فضای بزرگ و مکان‌های گوناگون و مناسب، آلاچیق‌ها و فضای سبز، همچنین تعامل نزدیک و رابطه دوستانه میان اساتید و مدیران دانشکده با دانشجویان، گعده‌های

دوستانه عموماً در درون فضای دانشکده شکل می‌گیرد و تمایل کمتری برای بیرون رفتن از درون دانشکده وجود دارد. به دلیل نبودن رابطه بالا به پایین (سلسه مراتبی) در تعامل میان مدیران دانشکده و دانشجویان، این احساس راحتی در اکیپ‌های دانشجویی و انتخاب پاتوق‌های دوستانه آنها نیز تاثیرگذار است. همچنین در دانشکده ادبیات و علوم انسانی که سکوهایی با تزیینات و شعرهای زیبا و نقاشی و کاشی‌کاری ساخته شده و بسیاری از دانشجویان در این محل‌ها به تعامل با یکدیگر و صرف چای می‌پردازند. دانشکده علوم پایه نیز پس از دیدن تمایل دانشجویان برای حضور در لابی و جهت راحتی بیشتر دانشجویان و تداوم دوره‌های دوستانه، سکوهایی را ایجاد کرده تا محلی برای نشستن وجود داشته باشد. در طرف مقابل در دانشکده‌هایی که مکان مناسب برای تعاملات دانشجویی و گرده‌ها و دوره‌های و حلقه‌ها و اکیپ‌ها در نظر گرفته نشده است، افراد به ناگزیر جمع‌ها و تفریحات و دوره‌های خود جهت گپ و گفت و تفریح و بازی و ... را به بیرون از دانشکده منتقل می‌کنند. در اینجا می‌توان به کاستی دانشگاه در برقراری شبکه تعاملی با دانشجویان و توجه به فوق برنامه‌ها و ایجاد فضاهای مناسب در درون دانشگاه اشاره کرد.

در فضای عمومی دانشگاه، وجود مکان‌های مناسب برای ورزش، از جمله زمین فوتبال، بسکتبال، والیبال، بدمیتون، پینگ پنگ و ... نیز آلاچیق‌ها و فضای پوشیده از چمن و یا درختانی که سایه ایجاد کرده‌اند از شرایطی هستند که در صورت فراهم شدن در درون دانشکده‌ها، دانشجویان را به خود جذب کرده و به مکان مناسب و مورد علاقه آنها برای شکل‌دهی دوره‌های دوستانه تبدیل می‌کند.

در کنار توصیف و تحلیل مکان‌های مورد نظر دانشجویان می‌بایست به مفهوم «فضا» که درون آن الگوی ارتباطات اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد نیز پرداخته شود. به عبارتی در درون دانشگاه مکان‌های متفاوتی وجود دارد که بدون در نظر گرفتن الگوهای ارتباطات و اتفاقاتی که در درون آن در حال شکل‌گیری است، جایی تهی از معنا می‌باشد. اما آنچه که سبب فضایی شدن مکان‌ها می‌شود، نحوه و چگونگی شکل‌گیری الگوهای ارتباطی درون آن است. همانطور که لوفور بیان می‌کند فضا یک محصول اجتماعی است. فضا ناشی از روابط انسان‌ها با هم است.

دانشجویان با حضور در مکان‌ها و نام‌گذاری بر آنها با خلاقیت خود، از جمله لاو گاردن، جنگل، دشت بشر، حوض کثیف و ... که در عبارت‌های پیشتر به آنها اشاره شد، فضایی را ترسیم می‌کنند. آنها در این فضاها با ایجاد قواعد و الگوهای ارتباطی مشخص که بیان‌کننده رفتار و هنجار معینی است به تعامل با افرادی که تابع این هنجارها و قواعد هستند می‌پردازند. به گونه‌ای که در این فضاها، هنجارها و قواعد بر سایر قواعد رسمی دانشگاه غلبه می‌کند. همانطور که در برخی از این مکان‌ها، افراد و اکیپ‌های خاصی وارد این پاتوق‌ها می‌شوند و دیگران تمایلی به تشکیل گردهای دوستانه خود در آن محل‌ها ندارند. چه بسا با حضور در این فضاها چنانچه بخواهند خارج از آن قواعد و هنجارهای تعریف شده غیررسمی رفتار نمایند به انزوا کشیده می‌شوند. همانگونه که فراستخواه (۱۳۹۶) بیان می‌کند، فضاها حاوی موقعیت است و امکان برخی خلاقیت‌های تازه برای گروه‌های اجتماعی در این موقعیت‌ها بوجود می‌آید. دانشجویان با زیست‌جهان دانشجویی خود مکان‌ها را فضایی می‌کنند.

«حیات پستی» علوم اجتماعی به خودی خود مکانیست در پشت یک ساختمان که از قضا زیبایی بصری خاصی نیز ندارد. بدون فضای سبز، آلاچیق، حوض، درختان بلند و چمن‌های گسترده، اما الگوهای تعاملی که در آنجا شکل می‌گیرد، حیات پستی را تبدیل به فضایی می‌کند که دانشجویان به ذهنیت خود و معنای کسب شده از ارتباطات و زیست دانشجویی شکل گرفته در آن مکان اشاره می‌کنند. جاها و اشیا و رابطه‌ها، معنای خاصی برای افراد و گروه‌ها دارند.

همانطور که بورديو بحث کرده است، فضا حاوی میدان‌ها و قواعد و منش‌هایی است. تجربه‌هایی در آن روی می‌دهد و منابع و مبادلات معنادار در آن تولید و توزیع می‌شود و بر سرش همکاری و در همان حال رقابت می‌شود. فضا مخزنی از معانی «ذخیره شده» است و حاوی موقعیت‌هایی برای خلق امکان‌ها و تنش‌ها و خلاقیت‌ها و فرصت‌های رقابتی و حوزه‌های مختلف معنا سازی است.

«لاو گاردن» مکانی است مثل مکان‌های دیگر دانشگاه، در داخل پردیس مرکزی دانشگاه و بدلیل قدمت دانشگاه تهران، دارای درخت‌های بلند و سایه‌های گسترده، چمن‌کاری شده و سرسبز. اما زمانی که دانشجویان، با خلاقیت بر آن نام

می‌نهند و معناسازی می‌کنند، ذهنیت خاصی از آن شکل می‌گیرد و آن را محل برگزاری تولدهای خود و دوستان خود و شادی کردن و همدلی و نزدیک شدن به یکدیگر و ایجاد تعاملات دوستانه می‌دانند. دانشجویان به مکان‌ها معنا می‌دهند و با زیست جهان خود آن را تبدیل به فضا می‌کنند. همانگونه که اشمیت^{۳۱} (۲۰۰۸) معتقد است فضا به خودی خود وجود ندارد، فضا تولید می‌شود. دانشجویان تلاش می‌کنند دانشگاه را از آن خود کنند. به نظر می‌رسد که دانشگاه نیز به این زیست جهان دانشجویی تمکین می‌دهد. دانشجو با فضایی کردن مکان‌ها دانشگاه را بازتعریف می‌کند و دانشگاه نیز در مواردی به ناگزیر تمکین می‌دهد. همانطور که سیستم رسمی، در «لاو گاردن» میز و صندلی‌های سیمانی به تعداد زیاد ایجاد کرده و این امر، دانشجویان را راضی می‌کند تا در اکثریت موارد تولدها و جشن‌ها و تفریقات خود را در این مکان از دانشگاه برگزار کنند.

از طرف دیگر، سیستم‌های رسمی ما تمایل زیادی به مستعمره کردن^{۳۲} زیست جهان دارند و چنانچه به آن تقسیم‌بندی سه تایی لوفور بازگردیم می‌توان چنین گفت که فضای دو با غلظتی رسمی سبب تضعیف فضای سه می‌شود. فضای سه مملو از «خود ابرازی» و خلاقیت و گونه‌گونی و تنوعات است. بیش‌تر خصیصه‌ای اجتماعی دارد. در فعالیت‌های خودجوش داوطلبانه و ارتباطات کدبندی نشده‌ی دانشجو و استاد شکل می‌پذیرد. فضایی برآمده از اعمال و ابتکارات درون جوش، روییده از روابط غیررسمی گفت‌وگویی و تعاملی است. فضای انتزاعی از طریق به نمایش گذاشتن ظاهر خود و نظارت بر فضای زیسته، هژمونی خود را اعمال می‌کند.

راه حل رفع تنش میان نظام رسمی آموزش عالی با زیست جهان واقعی در زندگی روزمره دانشجویان و دانشگاهیان، گفتگو و تعامل رضایت‌بخش میان سیستم و جهان زندگی است. نظام رسمی می‌بایست به شناخت دقیق از زیست جهان دانشجویی با تمام عناصر و اجزا و پیچیدگی‌های آن برسد و راه را برای تعامل سازنده و پایدار و فراهم آمدن امکان تامین نیازهای افراد در تجربه‌زیسته آنها هموار کند. پژوهش حاضر به بررسی یکی از ابعاد زیست جهان دانشجویی پرداخته و تحقیقات دیگر ابعاد و اجزای دیگر زیست جهان را تکمیل می‌کند.

³¹ . schmid

³² . colonisation

- Afrough, Emad (1377). Space and social inequality. Tehran: Tarbiat Modares University Press.
- Alison Brandon, JBH, Cameron, Tracey.(2008). "Where You Live Influences Who You Know: Differences in Student Interaction Based on Residence Hall Design", The journal of college and university student housing. P.P: 35:18.
- Anon, (2016). Use of University Space, Facilities & Grounds. Retrieved from www.uaefacilities.ua.edu/grounds/information/facilities-and-grounds-use-policy.pdf on 14th April 2016
- Astin, A. (1984), "Student involvement: A developmental theory for higher education". Journal of College Student Personnel, 25, P.P:297-308.
- Bagheri Heidari, Fatemeh (1393). Factors affecting students' interactions and communication with professors. Case study of universities (free, light message and non-profit). Iranian Journal of Sociology. 4 (15). 153-171.
- Bonnewitz, P. (2012); The Sociology of Pierre Bourdieu; Translated by Jahangiri, Jahangir and Poorsafire, Hassan, Tehran: Agah Publication House.
- Cheang, Michael (2002). "Older adults' frequent visits to a fast-food restaurant: Nonobligatory social interaction and the significance of play in a third place". Journal of Aging Studies, 16 (2002):303-321.
- Cresswell, J (۱۳۹۱). Qualitative scanning and research design. (Translator: Hassan Danaeifard and Hossein Kazemi). Tehran: Saffar. (Original date: 2007)
- Delavar, Ali (2014). Theoretical and practical foundations of research in humanities and social sciences. Tehran: Roshd.
- Dinham, NC (1991), "Institutional and external influences on social integration in the freshman year", The Journal of Higher Education, 63, P.P: 412-36.
- Eslami, Asieh (1391). Design of Shiraz University Student Interaction Center (Master Thesis). Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Tehran.
- Faraskhah, Maghsoud (1383). University in the third wave; Learn to overcome the crisis. Journal of Science and the Future. 9 (9). 58-70.
- Faraskhah, Maghsoud (1389). Investigating the pattern of higher education and university interactions with other production systems and services. Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education. No. 57. 45-64.

- Faraskhah, Maghsoud (2010). University and higher education (global perspectives and Iranian issues). Tehran: Ney Publishing.
- Faraskhah, Maghsoud (2013). The quality of the curriculum and university education with a phenomenological approach to a framework derived from ethnography. *Journal of Higher Education Curriculum Studies*. 8. 41-54.
- Faraskhah, Maghsoud (2015). Emerging developments in university culture and classroom space and its impact on teaching; Reflections on the five generations of students and professors. *Journal of Teaching Research*. 4 (2). 1- 29.
- Faraskhah, Maghsoud (2017). Occasionally a university in Iran. Tehran: Agah Publishing.
- Faraskhah, Maghsoud; Rahmani, Jabbar; Sepidnameh, Behrooz (1396). Study of the phenomenon of religious anomaly among students of Ilam universities (presentation of basic theory). *Iranian Journal of Social Studies*. 38. 25-55.
- Felik, ooh (1387) . An Introduction to Qualitative Research, (Translator: Hadi Jalili). Tehran: Ney Publishing. (Original work date: 2006)
- Folaranmi Adedayo, Olatunde; Stephen Ayodele Oyetola, Anthony Ikechukwu Anunobi; Oluwatoyin Abiodun Adebayo (2017). "Students' Perception of Informal Interaction Spaces In Faculty Buildings of Federal University of Technology, Minna, Nigeria", *Journal of Interior Designing and Regional Planning*, Volume 2 Issue 2, PP: 1-16.
- Ghanbaran, Abdolhamid; Jafari, Marzieh (1393). Investigating the effective factors on promoting social interactions among the residents of a residential neighborhood (Case study: Darkeh neighborhood - Tehran). *Journal of Iranian Scientific Association of Architecture and Urban Planning*. No. 7, 57-64.
- Ghani Rad, Mohammad Amin (2006), "The Role of Students and Professors in Shaping Academic Social Capital", *Iranian Journal of Sociology*, 1 (7), 3-29.
- Ghani Rad, Mohammad Amin; Ebrahimabadi, Hossein (1389). The effect of social structure of education on students' performance. *Iranian Higher Education Association Quarterly*. 2 (4). 1-27
- Gonabadi, Farnaz; Hosseini, Akram (2016). Providing design instructions to increase interactions in student residences (based on social psychology studies in the field of social groups). 1-14.

- Goodwin, Kate; Gregor Kennedy, Frank Vetere (2010). "Getting together out-of-class: Using technologies for informal interaction and learning", curriculum, technology, and transformation for an unknown future, Proceedings ascilite Sydney, PP: 387-392.
- Habermas, Jurgen .(1987) , The Theory of Communicative Action Vol2 , Lifeworld and System : A Critique of Functionalist Reason . Boston: beacon press.
- Habibpour Gotabi, Karam (1396). Classrooms in Iranian universities: Gender dilemmas. From Abbas Kazemi. Cultural and social studies of university classrooms in Iran. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications.
- Heydari, Ali Akbar; Behdadfar, Nazgol (2015). Examining different aspects of the meaning of place from the perspective of architects and non-architects. Garden Commentary Quarterly. 13 (43). 128- 117.
- Ilka, Shahin; Mansoori, Behrooz; Nasirsalami, Seyed Mohammad Reza; Saremi, Seyed Ali Akbar (1394). Explaining the concept of housing and habitation in the phenomenological approach and bio-cultural paradigms approach. Urban Management Quarterly. 2 (39). 165- 188.
- Khaniki, Hadi (1396). University Challenges in Iran, University, Politics and Culture. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications.
- Kraut, R.E., Fish, R.S., Root, R.W. & Chalfonte, B.L. (1990). Informal Communication in Organizations: Form, Function, and Technology in I S. Oskamp & S. Spacapan (Eds.). Human Reactions to Technology: The Claremont Symposium on Applies Social Psychology. Beverly Hills, CA: Sage Publications(۱۹۹۰) .
- Kudryavtsev, A. (2011), Sense of Place in Environmental Education, Environmental Education Research, Vol. 18, No. 2, PP. 229–250.
- Lashgari Tafreshi, Ehsan (1397). Explain the concept of geographical space on Mac
- Manzo, C. L. (2005) For Better or Worse: Exploring Multiple Dimensions of Place Meaning, Journal of Environmental Psychology, Vol. 25, No.1, PP. 67–86.
- Marcus CC, Sarkissian W (1986). Housing as if People Mattered, Berkeley, University of California Press.
- Meesters, J.)2009(. The Meaning ofActivities in the Dwelling and Residential Environment. Doctoral Thesis. Netherlands: Delft University of Technology.
- Moradi, B., Mohd Hamdan, A., Dokoushkani, F., Motevaliyan, S. M., Razali, A., & Fallahi, B. (2015). "Individual action and social interaction in the built environment: an analytical view", The Social Sciences, 10(7), PP: 1696–1703.

- Onwuka B.N., Adedayo, O.F. & Adedokun Adebayo John (2016). User Assessment of Staff Perception on Relaxation Spaces in Selected Offices of Tertiary Institutions of Niger State. *Environmental Technology & Science Journal (ETSJ)*, 7(1), 63-75.
- Paine, DE. (2007), "An exploration of three residence hall types and the academic and social integration of first year students", University of South Florida.
- Patton.M.Q (2002). *Qualitative Evaluation and Research Methods* (3rd edn). London: SAGE.
- Pourmand, Hassan Ali; Mahmoudinejad, Hadi; Azeri Ranj Azma, Mohammad (1389). The concept of place and mental image and its levels in urban planning from the perspective of Christian Norbury Schultz in the phenomenological approach. *Urban Management Quarterly*. 3 (26). 92-79.
- Qanei Rad, Mohammad Amin (1386). *Interactions and communication in the scientific community: A case study of the social sciences*. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies Publications.
- Rapoport, A. (1990), "The Meaning of the built environment : A Nonverbal Communication Approach", University of Arizona Press, Tucson.
- Razzaqi, Nader; Ghaedi, Maryam (2015). Explaining the factors affecting scientific production (Case study: Mazandaran University). *Journal of Executive Management*. 8 (16). 63-86.
- Rezaei, Mohammad; Kia, Hamed (1397). Problematic status of laws in Iranian universities. *Social-Cultural Strategy Quarterly*. 27. 281-297.
- Rutledge, K. (2012), "The Influence of Residence Hall Design on College Students' Grade Point Averages, On-Campus Involvement, and Sense of Community", The University of Southern Mississippi.
- Sajjadzadeh, Hassan; Eris, Spring (1396). Investigation of meaning production in urban space based on construction theory (Case study: Tabriz Bazaar). *Journal of Human Geography Research*. 2 (49). 287-273.
- Schmid, Chrisan (2008): *Henri Lefebvre's Theory of the Producon of Space; Towards a three-dimensional dialectic*, trans. Bandulasena Goonewardena, In *Space, Difference, Everyday Life*, Reading Henri Lefebvre, Routledge, London and New York.
- Seeman, T., & Berkman, L. (1988). "Structural characteristics of social networks and their relationship with social support in the elderly: who provides support", *Social Science & Medicine*, 26(7), pp: 737-749.

- Shadman, Saturn (1389). A look at the impact of information flow on place identity, a challenge on place identification. *Human and Environment Quarterly*. 4 (13). 79- 63.
- Sharipour, Mahmoud; Fazeli, Mohammad (1385). Functions of Student Scientific Associations. *Iranian Journal of Social Studies*. 1 (2). 62-82.
- Siddiq Sarvestani, Rahmatullah; Qaderi, Salahuddin (2009). Cultural, social and political dimensions of students' identities based on traditional and modern components. *Cultural Research Quarterly*. 2 (8). 35-66.
- Tavana, Soheil; Shafiee, Masoumeh (1393). Social production of space from the perspective of Henri Lefebvre. *Quarterly Journal of Society, Culture, Media*. 3 (10). 140- 131.
- Tawfiq, Ibrahim; Khorasani, Amir (1394). Bisexuality of space in Simmel. *Sociological studies*. 20 (21). 30- 9.
- Thomas, D. F. and Cross, J. E. (2006). "Organization as place builders". Available at: <http://www.stoveprairiegroupp.com/oapd.pdf> (accessed at 17th May).
- Turkme, Aydin; Shirkhodai, Anahid (1394). Production of Henri Lefebvre space. *Quarterly Journal of Society, Culture, Media*. 4 (14). 30-11.
- Ward, JPH. (2001), "Social capital and the environment", *World development*, 29, P.P: 27- 209.
- Wellman, B., Craven, P., Whitaker, M., Stevens, H., Shorter, A., Toit, S. Du, & Bakker, H. (2014). "Community ties and support systems: From intimacy to support", In L. S. Bourne, R. D. MacKinnon, & J. W. Simmons (Eds.), *The Form of Cities in Central Canada*, University of Toronto Press, pp: 152–168.
- Williams, J. (2005), "Designing neighbourhoods for social interaction: The case of cohousing", *Journal of Urban Design*, 10, P.P: 195-227.
- Xi shen & Xianghong Tian (2012). Academic Culture and Campus Culture of Universities, *Higher Education Studies*, 2(2), 61-65.
- Young, Jafar; Dalil, Saeed; Salmani Moghadam, Mohammad (1392). The dialectic of space from Lefebvre's perspective. *Quarterly Journal of Geographical Studies of Arid Areas*. 3 (12). 17-1.
- Zamanzadeh Darban, Zamzam (1396). Typology of factors affecting "identity and sense of place" in the evolution of "place theory" with a meta-analysis approach. *Urban Management Quarterly*. 2 (48). 86- 65

- Zarghami, Ismail; Behrooz, Seyed Mohammad (1394). The role and concept of "space" in recreating the theory of architecture and social sciences. Quarterly Journal of Interdisciplinary Studies in the Humanities. 2 (7). 99- 81.